

## مبارزه بر علیه رژیم امر همهی ماست!

ناصر ایرانیپور

در این روزها در مباحث سیاسی حول خیزش مردم ایران که الحق شایسته‌ی واژه‌ی "انقلاب" است، از "پشتیبانی" از توده‌های شوریده سخن در میان است. این توپولوژی و ترمولوژی نادقیق است و از یک نگرش اشتباه‌آمیز حکایت می‌کند، چرا که چنین القاء می‌شود که این مسأله در واقع مسأله‌ی ما نیست، اما از بهر دمکراسی‌خواهی و یا انسان‌دوستی مان 'مردم' به‌جان آمده و معترض را مورد حمایت قرار می‌دهیم!!

آیا چنین رویکردی نادرست نیست؟ آیا ما نیز خود را جزو و بخشی از مردم به‌جان آمده نمی‌دانیم؟ آیا خود ما نیز تمایل و نفع سیاسی و شخصی و اقتصادی خود و گروه و طبقه و ملت خود را در این نمی‌بینیم که این حکومت جور و ستم و جهل و جنایت به زیر کشیده و یا دست کم به عقب‌نشینی وادار شود؟ و آیا خود ما نیز خود را در تقابل با حاکمان نمی‌بینیم و این مبارزه را امر خود نیز نمی‌دانیم؟

پاسخ همه‌ی این پرسشها "چرا" به مفهوم "آری" است. لذا ما می‌توانیم تنها از "پیوستن" مان به مردم سخن رانیم و نه از "پشتیبانی" از آنها. حتی در ارتباط با اعتراضات ایرانیان خارج از کشور نیز نمی‌توانیم ترمولوژی "حمایت" یا "پشتیبانی" را بکار گیریم، به ویژه اینکه همه‌ی ما از رفتن حکومت اسلامی در ایران ذی‌نفع هستیم، حتی آن دست از ما که به زعم خود "سیاسی" نیست. "همبستگی" و یا "حمایت" از سوی کسانی می‌تواند صورت پذیرد که حکومت اسلامی بطور بلاواسطه به آنها زیان وارد نیاورده است و این تنها شامل حکومت‌های خارج و ارگانهای حقوق بشری آنها می‌شود. لذا چنانچه در این روزها در یک حرکت اعتراضی و یا اعتصابی شرکت می‌کنیم، در درجه‌ی نخست نه برای همبستگی و پشتیبانی با این یا آن بخش از مردم، بلکه بدین سبب است که این کارزار خود را بخشی از این نبرد سراسری مردم ایران و خود را در این مبارزه سهیم و شریک می‌دانیم. به هر حال، با اینکار به کسی جز خود "لطف" نکرده‌ایم.

این امر به درجات بسیار بالاتری برای مردم کردستان نیز صدق می‌کند؛ ملت کرد در ایران پیشتر و بیشتر از مابقی مردم ایران مورد تبعیض و ضرب و شتم و تضییق و آزار و ستم و سرکوب حکومت بربرهای اسلامی ایران قرار گرفته است. و به طبع آن این مبارزه در کردستان زودتر از تمام مناطق ایران آغاز گشته است، آنهم از اولین لحظات برپایی حکومت اسلامی و با شدت بسیار بیشتر. حکومت کنونی ایران در هیچ جای ایران به اندازه‌ی کردستان جنایت نیافریده است، افشاشده و منفور نیست. آنچه که امروز در خیابانهای تهران، اصفهان و شیراز مشاهده می‌کنیم و به ویژه بربریتی که حکومت در مقابل مردم مدنی تظاهرکننده از خود نشان می‌دهد، بارها در شهرهای کردستان با حدت و وسعت بیشتری شاهد آن بوده‌ایم. اگر در تهران بسیجی‌ها از بالای بامها بر روی مردم بیدفاع آتش می‌گشایند، پاسداران اسلام در کردستان مردم را از هلیکوپتر نشانه می‌گیرند و قتل عام می‌کنند. آری، مردم کردستان با آگاهی از ماهیت رژیم هیچ فرصتی را برای اعتراض و مبارزه علیه حاکمان از دست نداده‌اند و به همین جهت هم شدت برخورد رژیم با آنها بیشتر بوده است. اما متأسفانه بدلیل عدم وجود رسانه‌های آزاد و دمکراتیک مبارزه‌ی مردم و سرکوبهای خونین متعاقب آن توسط حکومت اسلامی بازتاب لازم در میان بقیه‌ی مردم ایران نداشته است. اکنون، اما، وضعیت بگونه‌ای دیگر است و هر جای ایران خشونت‌ی از حکومت سرزند، به یمن رسانه‌های مجازی، تصویری و صوتی خارج از کشور انعکاس بلاواسطه در بین مردم سراسر ایران پیدا می‌کند و بخشا حتی ملحق شدن مردم مناطق دیگر را به دنبال دارد. لذا اکنون که توجه افکار عمومی تمام ایران و جهان معطوف به این مبارزه است، ضرورت دارد که مردم کردستان نیز چون همیشه و با خواستهای همیشگی و مستقل خود و بدون جانبداری از این یا آن جناح به میدان آیند و عرصه را بیش از پیش به حکومت اسلامی تنگ کنند. این در درجه‌ی نخست و بطور بلاواسطه در راستای منافع جنبش ملی - دمکراتیک کردستان می‌باشد که ۳۰ سال آزرگار است در گیر رزمی بی‌امان و نابرابر با حاکمان اسلامی ایران می‌باشد.